

معرفی پر فروش ترین سینماهای کشور در فروردین

تهران، شیراز، مشهد و کرج پرفروش ترین سینماهای کشور در نخستین ماه سال ۱۴۰۳ بودند. ۶۷ درصد از فروش کل سینمای ایران در فروردین ماه ۱۴۰۳ مربوط به ۴۰ سینمای اول کشور در این ماه بود و جمع کل فروش این سینماها بیش از ۱۴۶ میلیارد و ۸۵۱ میلیون تومان اعلام شد. پردیس سینمایی کوروش تهران با فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۳۲۲ میلیون تومان، پردیس سینمایی «ایران‌مال» تهران با

فروش بیش از هشت میلیارد و ۲۴۵ میلیون تومان، پردیس سینمایی «آزادی» تهران با فروش بیش از چهار میلیارد و ۴۴۳ میلیون تومان، پردیس «هنر شهر آفتاب» شیراز با فروش بیش از چهار میلیارد و ۲۵۱ میلیون تومان، پردیس سینمایی «مگامال» تهران با فروش بیش از سه میلیارد و ۷۲۲ میلیون تومان، پردیس سینمایی «هدیش» تهران با فروش بیش از سه میلیارد و ۷۰۹ میلیون تومان، پردیس سینمایی

«هویزه» مشهد با فروش بیش از سه میلیارد و ۵۴۰ میلیون تومان، پردیس سینمایی «ملت» تهران با فروش بیش از سه میلیارد و ۲۶۳ میلیون تومان، پردیس سینمایی «بام نیایش» تهران با فروش بیش از سه میلیارد و ۸۳ میلیون تومان و پردیس سینمایی «اکومال» کرج با فروش بیش از سه میلیارد و ۶۰ میلیون تومان به ترتیب در رتبه‌های اول تا دهم جدول سینماهای پرفروش کشور در فروردین ماه قرار گرفتند.

ظرفیت‌شناسی بازار کشوری با فرهنگ مشترک

پاکستان؛ فرصت طلایی برای سینمای ایران

مریم فلاح گروه فرهنگ و هنر

در راهبردهای فرهنگی ایران در دولت ابراهیم رئیسی توجه به تقویت ارتباطات فرهنگی با کشورهای همسایه در کنار اولویت‌های اقتصادی و سیاسی نشانه‌های امیدبخشی از رویکردهای عملی مؤثر را شاهد هستیم. تفاهم‌نامه‌های فرهنگی و توجه به تولیدات مشترک در عرصه هنر نوید عبور از غفلت تاریخی ما در مورد احصای هم‌زیستی سرزمینی را می‌دهد. در سفر اخیر رئیس‌جمهور به پاکستان در کنار همکاری‌های فرهنگی، تفاهم‌نامه‌ای برای تولید مشترک سینمایی با اقتباس از زندگی اقبال لاهوری منعقد شد. عرصه سینمایی‌کی از شتاب‌دهنده‌های مؤثر در مسیر تقویت روابط فرهنگی با دیگر کشورهاست اما لازمه افزایش بازدهی آن دارا بودن شناخت کامل از ظرفیت‌های سینمایی کشورهای هدف است. به همین بهانه در ادامه براساس تجربه نگارش کتاب «ردیای سینما در ۳۵ کشور جهان» مروری داریم به تاریخ سینمای پاکستان تا با وسعت، موفقیت‌ها و ظرفیت‌های سینمایی آن آشناشویم.

تولد در لاهور

اندک زمانی پس از «تقسیم سرزمین»، کشور تازه‌تأسیس پاکستان با پدیده فرار مغزها روبه‌رو شد. کمیود وسایل و تجهیزات فیلمسازی به از کار افتادن صنعت فیلمسازی این کشور منجر شد. با وجود تمام مشکلات و موانع، در هفتم آگوست ۱۹۴۸، پاکستان موفق شد اولین فیلم بلند داستانی‌اش را با عنوان «تری یاد» تهیه کند که در تماشخانه «پربات»

شهر لاهور به نمایش عمومی درآمد. سال بعد، بزرگ‌ترین کمپانی فیلمسازی آن زمان تأسیس شد و طی چند سال بعد و تا قبل از نمایش «دو آنسو» در هفتم آوریل ۱۹۵۰، فیلم‌های این کمپانی با استقبال نسبی روبه‌رو می‌شدند. نخستین تجربه کارگردانی نورجهان که با عنوان «چانو» در بیست‌ونهم آوریل ۱۹۵۱ به نمایش درآمد، حکایت از آغاز دوران بازیابی داشت. این اولین فیلم پاکستانی به کارگردانی یک کارگردان زن بود.

رونق در دهه ۵۰

در سال ۱۹۵۲، سید فقیر احمد شاه، اولین فیلم خود را با عنوان «جاگاداگو» به کارگردانی ثقلین ریوزی تهیه کرد که به دلیل نمایش خشونت، چندان مورد توجه واقع نشد. با افزایش تماشاگران، فیلم «ساسی» که در سوم ژوئن ۱۹۵۴ اکران شد، مدت ۵۰ هفته بر پرده سینماها ماند. نخستین فیلم پاکستانی با گویش «سندی»، «عمر مرو» بود که در دوازده مارس ۱۹۵۶ نمایش داده شد و برای تقدیر از موفقیت این تلاش‌ها، یک سینمایی‌نویس به نام الیاس رشیدی در هفدهم جولای ۱۹۵۸ مراسم اعطای جوایز سالانه «نگار» را ترتیب داد که هنوز هم معتبرترین رویداد اعطای جوایز در رشته‌های مختلف مرتبط با فیلمسازی است.

دوران طلایی سینمای پاکستان

دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ به عنوان دوران طلایی سینمای پاکستان

شناخته می‌شود. با منسوخ شدن تولیدات سیاه‌وسفید، سینمای پاکستان اولین فیلم‌های رنگی‌اش را تولید کرد. فیلم‌های «عذرا» به کارگردانی مونشی دیل در اوایل سال‌های ۱۹۶۰، «سنگام» (نخستین فیلم رنگی بلندمدت) به کارگردانی ظهیر ریحان و «مالا» (نخستین فیلم رنگی سینماسکوپ) از آن جمله هستند. در بیست‌وششم ماه می ۱۹۶۱، فیلم «بیمبی والا» به نمایش درآمد و جالب این که با وجود دقت و سختگیری سانسور، مسئولان متوجه نشدند که عنوان فیلم، نام شهری در هند را یک می‌کشد، آن هم در آستانه تنش رو به گسترش هند و پاکستان. با این فیلم، سینمای پاکستان برای نخستین بار به کندوکاو در قلمرو سیاست پرداخت.

مقاومت؛ اندیشه مشترک

در سال ۱۹۶۲، فیلم «شهید» به مسأله فلسطین پرداخت و از ابتدای نمایش عمومی‌اش با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شد. در سپتامبر ۱۹۶۵ و پس از رویارویی مسلحانه هند و پاکستان، تمام فیلم‌های هندی از اکران عمومی پایین‌کشیده شدند و هیچ فیلم هندی از آن تاریخ اجازه نمایش دریافت نکرد. این منع نمایش از ۱۹۵۲ در پاکستان غربی و از ۱۹۶۲ در پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی) برقرار بود. تماشاخانه‌های پاکستان از این تصمیم چندان متضرر نشدند و حتی بر تعداد تماشاگران‌شان افزوده شد. تولید فیلم‌های سینمایی با موضوع مبارزات فلسطین و جنگ با هند مشابه اتفاقی که در سینمای ایران در دهه ۶۰ رخ داد، توان سینمایی

پاکستان را تقویت کرد.

درخشش ستاره‌ها

بروز عینی توانایی بالقوه جذب مخاطب، باعث شد تا وحید مراد، به حیطه سینما قدم بگذارد و کمی بعد به عنوان قهرمان شیرین، مارلون براندو و الویس بریسلی پاکستان شناخته شود. در سال ۱۹۶۶، فیلم «آرمان» به نمایش درآمد و یکی از امیدبخش‌ترین دستاوردهای صنعت فیلمسازی پاکستان تلقی شد. اکران این فیلم به مدت ۷۵ هفته در تمام تماشاخانه‌های پاکستان ادامه داشت. ستاره خوش‌آئیه دیگری به نام «ظفر یک» بالق هنری «ندیم» نیز سال ۱۹۶۷ و با اولین تجربه بازیگری‌اش در فیلم «چاکوری» موفقیت را در آغوش کشید. با نمایش «اجساد زنده»، سینمای گونه هراس به تماشاگران پاکستانی معرفی شد. این فیلم اولین اثری بود که بر دیوارکوب‌هایش درجه [مخصوص بزرگسالان] به وضوح در معرض دید قرار داشت.

دیپلماسی سینمایی

با گسترش روند بی‌ثباتی سیاسی به حیطه صنعت سرگرمی سازی از فیلمسازان خواسته شد مراقب تأثیرات اجتماعی- سیاسی فیلم‌های‌شان باشند. درخواست از سازندگان فیلم «تهدیب» مبنی بر تغییر اشعار ترانه‌های فیلم و به ویژه واژه «مصر» گواهی بر این م دعا بود که تصور می‌شد می‌تواند بر روابط دیپلماتیک مصر و

پاکستان تأثیر سوء بگذارد. صنعت فیلمسازی در مقابل تغییرات پیایی سیاسی سال ۱۹۷۶ چنان آسیب‌پذیر و بی‌پشتیبان بود که گروهی از اراذل و اوباش خشمگین، چند روز مانده به نمایش عمومی نخستین فیلم با گویش بلوچی به نام «هامالو» ماه گونج، تماشاخانه‌ای که فیلم در آن فیلمبرداری شده بود را به آتش کشیدند. سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، همزمان با پیدایش دستگاه‌های نمایش خانگی (VCR) در پاکستان بود. این امر موجب کاهش شدید سینما روها شد که ترجیح می‌دادند فیلم‌های روز جهان را در خانه و در کنار خانواده به تماشا بنشینند. بدین ترتیب، تکثیر قاچاقی فیلم‌ها شکل گرفت. فیلم «ورای آخرین کوهستان» به کارگردانی جاوید جبار که دوم دسامبر ۱۹۷۶ به نمایش درآمد، اولین تجربه پرمخاطره سینمای پاکستان در تولید فیلم به زبان انگلیسی بود. نسخه اردو زبان این فیلم که «مسافر» نام داشت با استقبال روبه‌رو نشد. فیلم «آینا» نیز که در هجدهم مارس ۱۹۷۷ نمایش داده شد، به گسست نمادین بین سال‌های حکومت ذوالفقار علی بوتو و حکومت محافظه‌کار به ظاهر انقلابی محمد ضیاءالحق می‌پرداخت. اکران این فیلم بیش از ۴۰۰ هفته ادامه یافت. این فیلم تنها در تماشاخانه «اسکالا» در کراچی، بیش از چهار سال بر پرده ماند و محبوب‌ترین و پرمخاطب‌ترین فیلم در تاریخ پاکستان شناخته شد.

رقابت با سینمای خارجی

طی سال‌های میانی و پایانی ۱۹۹۰، صنعت سینمای پاکستان با دو فیلم «جوه» به کارگردانی سید نور و «انتها» ساخته ثمنه پیروزانه، توانست باردیگر توجه مخاطبان را جلب کند. به نظر می‌رسد سینمای پاکستان به سوی رقابت با تولیدات خارجی پیش می‌رفت اما کاهش مخاطبان فیلم‌های بعدی، سقوط نهایی صنعت سینمای پاکستان را مسجل می‌کرد. شاخص‌ترین فیلم‌های این دوران عبارتند از: «دیوانه‌تره پیار که»، «موج چند چپیه»، «سنگام»، «تره بیامنین» و «غزکاب آتوگای». این فیلم‌ها سخت‌کوشیدند تا از داستان‌های کلیشه‌ای و خشن پرهیز کنند اما مورد عنایت مخاطبان طبقه متوسط و فرودست واقع نشد.

جنگال در سینما با تولیدات مشترک

در سال‌های پایانی ۱۹۹۰، تولید فیلم «جناح» جنگال آفرید.

برش

اتفاقات خوب اخیر

گرچه در تمامی سال‌ها اتفاقات جدی در همکاری سینمای ایران و پاکستان نیفتاده است، اما جرقه‌هایی در این زمینه زده شد. برگزاری هفته فیلم ایران در پاکستان، دریافت جایزه بخش بین‌المللی زنان راهبر پاکستان توسط نرگس آبیار و ... از آن جمله‌اند. اما با وجود تمایل پاکستان به همکاری سینمایی با ایران که به صورت رسمی توسط مقامات ارشد پاکستان بارها

فیلم را اکبر صلاح‌الدین احمد تهیه کرد و کارگردانی‌اش را جمیل دهلوی برعهده داشت. مخالفت‌ها و اعتراض‌ها به انتخاب بازیگر بریتانیایی کریستوفر لی برای نقش محمدعلی جناح، مؤسس پاکستان و نیز حضور بازیگر هندی ششی کاپور در نقش فرشته بزرگ «جبرئیل» بود. جدا از تمام جنگال‌ها و شایعات، فیلم جناح این نکته را ثابت کرد که فیلمسازان و بازیگران هندی و پاکستانی می‌توانند بدون نیاز به برداشتن قوانین منع همکاری، در پروژه‌های سینمایی با یکدیگر مشارکت کنند. طی سال‌های بعد بازیگران بیشتری از دو کشور، در تولیدات هندی و پاکستانی ایفای نقش کردند.

احیای علانم حیاتی

سید نور که از سقوط یکباره سینمای پاکستان آزرده خاطر شده بود، برای تهیه تنها فیلم پاکستانی که بتواند ثابت‌کند از این فاجعه جان به دربرده، تعدادی سرمایه‌گذار را دور خود جمع کرد. سال ۱۹۹۸ او فیلم «چوریان» را به نمایش درآورد که به زبان پنجابی بود و ۱۸۰ میلیون روبیه فروخت. به این ترتیب دیگر کارگردانان امیدوار شدند و فیلم «به دیل آب کاهوا» به کارگردانی جاوید شیخ در سال ۲۰۰۲ اکران شد و بیش از ۲۰۰ میلیون روبیه فروخت. به این ترتیب برای نخستین بار طی ۱۲ سال سرمایه‌گذاران علاقه شدیدی به سرمایه‌گذاری در فیلم‌های پاکستانی نشان دادند.

ورود به بازار جهانی

دوران موفقیت چندان پایدار نماند. در سال ۲۰۰۳، همان صنعتی که زمانی بیش از ۱۰۰۰ فیلم در سال تهیه و تولید می‌کرد، به سختی می‌توانست ۳۳ فیلم در سال تهیه کند. در ابتدای سال ۲۰۰۳ فیلمسازان جوان بر آن شدند تا ثابت کنند که با بهره‌گیری از منابع محدود موجود، صنعت سینمای بومی قادر به تولید فیلم‌های باکیفیت است. با خصوصی سازی فرستنده‌های تلویزیونی، کانال جدیدی به نام «فیلم آریا» آغاز به کار کرد و هدف خود را پخش فیلم‌ها و نمایش‌هایی قرار داد که با عوامل بومی و گویش‌های محلی تهیه و تولید شده‌اند.

اعلام شده، تاکنون هیچ توجهی از سوی طرف ایرانی به این موضوع نگردیده تا سفر اخیر ابراهیم رئیسی و تفاهم در تولید فیلم مشترک پیرامون اقبال لاهوری که اقدامی امیدبخش برای وقوع همکاری‌های پایدار است. با این توجه که سینمای پاکستان در هم‌زیستی با سینمای هند دارای تولید منظم و براساس قوانین حرفه‌ای است و سینمای ایران پیش از هر چیز باید به زیرساخت‌های قانونی همکاری‌های مشترک خاصه در بخش مالکیت مجهز شود، وگرنه این فرصت نیز به تهدید بدل می‌شود.

سینمایی‌کی از شتاب‌دهنده‌های مؤثر در مسیر تقویت روابط فرهنگی با دیگر کشورهایاست و لازمه آن دارا بودن شناخت کامل از سینمای کشور هدف است

سینمایی‌کی از شتاب‌دهنده‌های مؤثر در مسیر تقویت روابط فرهنگی با دیگر کشورهایاست و لازمه آن دارا بودن شناخت کامل از سینمای کشور هدف است

ظرفیت اکران

طی سال‌های میانی دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ که صنعت سینمای پاکستان در اوج بود، شهر کراچی بیش از صد سالن سینما داشت و هر سال بیش از ۲۰۰ فیلم تهیه و اکران می‌شد، اما در سال ۲۰۰۰ تعداد سینماهای این شهر به کمتر از ۱۰ سالن رسید. شهر لاهور نیز وضعیتی مشابه دارد. این کاهش باعث شد سرمایه‌گذاران برای حضور در این صنعت رغبتی از خود نشان ندهند. سال ۱۹۹۰، پاکستان به ۷۵۰ تماشاخانه می‌بالید اما در سال ۲۰۰۲ این تعداد به ۱۷۵ کاهش یافت. تماشاخانه‌های باقیمانده در شرایط بسیار اسفباری به کارشان ادامه دادند. سال ۲۰۰۲ پردیس سینمایی «یونیورسال» در کراچی افتتاح شد و شاهد پایداری کسب‌وکار فیلمسازی در پاکستان این واقعیت‌است که بسیاری از کمپانی‌های چندملیتی به سرمایه‌گذاری در تجارت سینماهای پاکستان ابراز علاقه کرده‌اند. اولین کمپانی که به امر ساخت‌وساز پردیس پرداخت، کمپانی «سینه پکس» است. این کمپانی که

اولین زنجیره پردیس‌های پاکستانی را می‌سازد، خود را ملکی می‌داند طی پنج سال ۱۲۰۰ سالن سینما را به بهره‌برداری برساند. کمپانی، تولیدات هالیوودی را طی یک ماه پس از پخش جهانی‌شان در پاکستان اکران می‌کند.



برای خواندن متن کامل این گزارش بکسازید، اسکن کنید

نشست

هرچه در دست داشت درباره ایران بود

مستند «مرمت آثار باستانی» به کارگردانی زنده‌یاد حمید سهیلی در قالب برنامه «شب‌های مستند» موزه سینما روی پرده رفت. در این مراسم ارد عطارپور مستندساز گفت: سهیلی، فردی بسیار متواضع بود و من کسی را مانند او در سینمای ایران ندیدم. او



خود را سرباز سینما می‌دانست و اگر از او کمکی می‌خواستید امکان نداشت از انجام آن دریغ کند. حتی اگر در حوزه‌ای اطلاعات کافی نداشت به مطالعه می‌پرداخت و آن را در اختیار سؤال شونده قرار می‌داد. وی ادامه داد: خط تولید فیلم مستند درباره تاریخ معماری ایران، تحت تأثیر فعالیت‌های حمید سهیلی است. او با بافشاری کار خود را پیش می‌برد، چرا که علاقه زیادی به وطن خود داشت. فیلم «مرمت آثار باستانی» دارای دقت، جزئیات و دگرپواری دقیق و برجسته است و توضیحات کاملی دارد. این مجموعه به یونسکو عرضه شد و در آنجا به عنوان یک سند دبیاری و شندباری به ثبت رسید و افرادی در خارج از کشور نیز متوجه این گنجینه ارزشمند باقیمانده از او شدند. من در ماه‌های آخر عمر حمید سهیلی از او خواستم تا طرحی را برای ساخت ارائه دهد و جالب است تمام موضوعاتی را که در دست داشت درباره ایران بود.

دیدگاه

تکنیک‌های پویانمایی ما جهانی است

کیارش زندی، مدرس و کارگردان با اشاره به این‌که بسیاری از نگاه‌های اشتباه نسبت به سینمای انیمیشن در حال تغییر است، تأکید کرد: انیمیشن ایران در دوران پوست‌اندازی است. وی گفت: در گذشته مسئولان ما نگاهی جدی به سینمای انیمیشن نداشتند اما امروز شاهد هستیم که در



بالاترین سطوح مسئولان کشور و در لایه‌های اجرایی کلان هم درباره انیمیشن صحبت می‌شود و حتی رهبری به عنوان بالاترین شخص اجرایی کشور هم درباره انیمیشن صحبت می‌کند و دیدارهایی با انیماتورها در نظر می‌گیرد. این نشان می‌دهد که به هر دلیلی لایه‌های بالاتر تصمیم‌گیری به این نتیجه رسیده‌اند که باید به انیمیشن توجه شود و این توجه را در چند سال اخیر شاهد هستیم و یکی از نشانه‌هایش ابلاغ اساسنامه بنیاد انیمیشن است. در جشنواره اخیر پویانمایی تهران که من منتقد جلسات نقد و بررسی انیمیشن‌ها بودم، به وضوح می‌شد نگاه بومی و ملی را در سینماگران ایرانی دید و ما شاهد مطرح شدن مباحثی بودیم که در این سال‌ها چندان به آنها پرداخته نشده است. در بحث تکنیک هم باید بگویم که تکنیک‌های ما جهانی است و هیچ کم و کسری در سینمای انیمیشن ما وجود ندارد.

قاب

هنرمندی که

«مست عشق» را روی پرده ندید

فیلم سینمایی «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی سرانجام رنگ پرده را دید؛ فیلمی که هفت ماه پس از درگذشت فیلمبردارش مرتضی پورمحمدی به اکران درآمده است. زنده‌یاد مرتضی پورمحمدی در این فیلم با حسن فتحی همکاری داشته است که همانند همیشه تصاویری جذاب به یادگار گذاشته است؛ تصاویری که با رنگ‌بندی‌ها و قاب‌بندی‌ها، برای مخاطب چشم‌نواز است. البته ثبت این تصاویر برای فیلمبرداری که تجربه عکاسی و مستندسازی داشته، دور از ذهن نیست اما افسوس که نمایش مست عشق در فقدان پورمحمدی برای سازندگان فیلم باقی ماند و در اولین شب نمایش آن در یک محفل سینمایی، فرهاد توحیدی فیلمنامه‌نویس این اثر، از یاد او یاد کرد.

